



شبهات پیرامون تفسیر علی ابن ابراهیم بی اعتبار است/ محاسن و معایب اثر

ضمن غیرمعتبر دانستن شبهاتی که درباره تعلق تفسیر علی ابن ابراهیم قمی به وی وجود دارد، اظهار کرد: وجود روایات تفسیری معتبر از محاسن این اثر و استفاده از برخی روایات ضعیف از معایب آن به شمار می‌رود.

حجت‌الاسلام بابایی، ضمن غیرمعتبر دانستن شبهاتی که درباره تعلق تفسیر علی ابن ابراهیم قمی به وی وجود دارد، اظهار کرد: وجود روایات تفسیری معتبر از محاسن این اثر و استفاده از برخی روایات ضعیف از معایب آن به شمار می‌رود.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر بابایی، دانشیار گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، در پاسخ به پرسشی درباره شبهاتی که درباره تفسیر علی ابن ابراهیم قمی و تعلق این اثر به وی وجود دارد، اظهار کرد: تکیه‌گاه سخنانی که درباره منسوب نبودن این تفسیر به علی ابن ابراهیم قمی وجود دارد، شواهدی است که آقابزرگ تهرانی آورده است. او کسی است که بیشترین مستندات را برای تردید و نفی تعلق این تفسیر به وی ذکر کرده است. او اسبق بر دیگران است و مخالفان تعلق این اثر به علی ابن ابراهیم، چیزی اضافه بر سخنان آقابزرگ تهرانی ندارند و تنها مطالبی که در سخنان آیت‌الله معرفت، اضافه بر مستندات آقابزرگ تهرانی عنوان شده است، وجود برخی روایات در این تفسیر است که قابل قبول نیست.

استنادات مخالفان تعلق تفسیر علی ابن ابراهیم به وی

وی در پاسخ به پرسشی درباره شواهد و استناداتی که برخی افراد درباره متعلق نبودن این اثر به علی ابن ابراهیم ذکر می‌کنند عنوان کرد: یکی از شواهد، این است که در ابتدای این تفسیر عبارتی با عنوان «حدثنی ابوالفضل العباس العلوی، قال حدثنی علی بن ابراهیم قمی» آمده است که با اینکه مولف این تفسیر، علی ابن ابراهیم باشد، سازگاری ندارد و بر این اساس، گفته می‌شود مولف این تفسیر، غیر از علی ابن ابراهیم و شاگرد او یعنی ابوالفضل عباس علوی است؛ به خاطر اینکه ابوالفضل از علی ابن ابراهیم نقل می‌کند. بنده پاسخ می‌دهم که ممکن است این مطلب، سخن کسی باشد که این تفسیر را رونویسی کرده است، نه کسی که این کتاب را نوشته است.

بابایی ادامه داد: چون در زمان‌های قدیم، چاپخانه نبوده است، سال‌ها بعد از نگارش یک اثر، آن را استنساخ می‌کردند و ممکن است این مطلب مربوط به ناسخ این تفسیر باشد و منافاتی با اینکه علی ابن ابراهیم، مولف این تفسیر است، ندارد. همچنین گفته‌اند در این تفسیر از «تفسیر ابی الجارود» زیاد نقل شده است و چنین امری در تعلق این اثر به علی ابن ابراهیم، شبهه ایجاد می‌کند. بنده جواب می‌دهم چه مانعی دارد علی ابن ابراهیم که مولف این تفسیر است، از «تفسیر ابی الجارود» در کتاب خود نقل مطلب کرده باشد؟

دلیل معتبری برای نفی تعلق تفسیر علی ابن ابراهیم به وی وجود ندارد

حجت‌الاسلام بابایی، استناد این تفسیر به علی ابن ابراهیم قمی را قوی دانست و اظهار کرد: افرادی که در متعلق بودن این اثر به علی ابن ابراهیم تردید یا نفی کرده‌اند، دلیل معتبری برای آن ندارند و این دلایلی که ذکر کرده‌اند، همگی قابل پاسخ دادن است و می‌توان آن‌ها را توجیه عقلایی کرد؛ کما اینکه مرحوم سیدابوالقاسم خویی هم در «معجم ارجال الحدیث» استناد این تفسیر به علی ابن ابراهیم را مسلم دانسته و قبل از ایشان، شیخ حرّ عاملی، صاحب «وسائل الشیعه» و علامه مجلسی هم این تفسیر را متعلق به او دانسته‌اند.

عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکید کرد: وجود برخی روایات ضعیف که قابل قبول نیست، منافاتی با این ندارد که این تفسیر متعلق به علی ابن ابراهیم قمی نباشد. در بسیاری از کتب روایی، روایات ضعیف و روایاتی که ظاهرش را نمی‌شود پذیرفت، وجود دارد و بنده معتقدم با وجود برخی روایات ضعیف و شبهاتی که درباره این اثر وجود دارد، این تفسیر متعلق به علی ابن ابراهیم است.

استنادات تعلق اثر به علی ابن ابراهیم

وی در پاسخ به پرسشی درباره مستندات تعلق این تفسیر به علی ابن ابراهیم قمی، اظهار کرد: در اینکه وی دارای یک تفسیر است، شکی وجود ندارد و دو تن از رجال‌شناسان مشهور شیعه، یعنی نجاشی و شیخ طوسی خبر داده‌اند و سند ذکر کرده‌اند که او کتاب تفسیر داشته است که سند شیخ طوسی، سندی صحیح و معتبر است. از مستندات من برای اثبات تعلق این اثر به علی ابن ابراهیم، این است که تفسیر ایشان در طول تاریخ مورد استفاده قرار می‌گرفته است؛ مثلاً شیخ طبرسی، صاحب «مجمع البیان» و سیدابن طاووس در کتاب «سعد السعود» از تفسیر علی ابن ابراهیم مطلب نقل کرده‌اند و سیدابن طاووس درباره جزئیات آن توضیح داده است.

وی افزود: ملامحسن فیض‌کاشانی، در «تفسیر صافی» از تفسیر علی ابن ابراهیم، مطالب زیادی آورده است. علامه مجلسی در

«بحارالانوار» از این تفسیر فراوان نقل کرده و در مقدمه کتاب خود هم، آن را جزء منابع خود ذکر کرده و سپس در اعتبار این تفسیر سخن گفته است. شیخ حر عاملی، صاحب «وسائل الشیعه» هم در جلد بیستم این کتاب در اعتبار این تفسیر، فراوان سخن گفته، تعریف کرده و اسناد معتبری در تعلق این به علی ابن ابراهیم نقل کرده است. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ادامه داد: اینها شواهدی است برای اینکه استناد این تفسیر به علی ابن ابراهیم، معتبر است، اما در مقابل، بعضی افراد دلایلی بر نفی آن دارند که اگر نمی‌توانستیم پاسخ آن‌ها را بدهیم، آنگاه استنادات ما برای تعلق این اثر به علی ابن ابراهیم تضعیف می‌شد، اما بنده برای همه این شبهات در جلد سوم، کتاب «مکاتب تفسیری» بنده، در صفحات 14 تا 25 پاسخ آورده‌ام.

روش تفسیری علی ابن ابراهیم قمی

بابایی در پاسخ به پرسشی درباره روش تفسیری علی ابن ابراهیم قمی در این اثر عنوان کرد: برخی روش تفسیر این کتاب را روش «مأثور» دانسته‌اند، اما بنده آن را روش تفسیری «اجتهادی روایی» نامیده‌ام و منظور این است که ما در تفسیر قرآن می‌توانیم و باید اجتهاد کنیم و اجتهاد اعتبار دارد، ولی مهم‌ترین منبع در اجتهاد برای فهم آیات، روایات است. کسانی که از «تفسیر مأثور» سخن می‌گویند، تفسیر را اعم، به معنی تفسیرهایی که یک نحوی از اجتهاد در آن باشد یا اینکه صرفاً از روایات استفاده شده باشد، در نظر می‌گیرند.

محاسن و معایب اثر

این مدرس حوزه و دانشگاه در پاسخ به پرسشی درباره محاسن و معایب این تفسیر، فارغ از شبهاتی که درباره مولف آن وجود دارد، اظهار کرد: محاسن این تفسیر، این است که بخش زیادی از روایات تفسیری که معتبر است و متن خیلی خوبی دارد، در این تفسیر وجود دارد و می‌توان به عنوان منبع روایی معتبر مورد استفاده قرار گیرد و اگر علی ابن ابراهیم را مولف بدانیم، او شخص موثقی است و نجاشی در مورد او گفته است: «او هم مورد اعتماد و هم استوار است و هر روایتی را نقل نمی‌کرده است» و این را می‌توان نقطه قوت کار او دانست.

وی در پایان درباره نقاط ضعف این اثر گفت: از نقاط ضعف این تفسیر، این است که برخی روایات در آن وجود دارد که ظاهرش را نمی‌توان پذیرفت؛ مثلاً از جمله روایتی در ذیل آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فُوقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ» خدای را از اینکه به پشه‌ای یا فروتر [یا فراتر] از آن مثل زند شرم نیاید پس کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن [مثل] از جانب پروردگارشان بجاست ولی کسانی که به کفر گراییده‌اند می‌گویند خدا از این مثل چه قصد داشته است [خدا] بسیاری را با آن گمراه و بسیاری را با آن راهنمایی می‌کند {ولی} جز نافرمانان را با آن گمراه نمی‌کند» (البقره/26) وجود دارد که در این اثر، «بعوضه» به مواردی تأویل شده است که مشخصاً ظاهر این روایت مستنکر است و پذیرفتنی نیست. همچنین برخی روایات دیگر که موسوم به اسرائیلیات است، در این تفسیر مطرح شده است و وجود روایت نادرست که نیاز به توضیح و توجیه دارد، از نقاط ضعف این اثر تفسیری است.